

# تولید سینما در ایران از انقلاب

در سلسله امور سینمایی یعنی تولید، پخش و بهره‌برداری، تولید در مقایسه با دیگر مرحله‌ها، از کارگردانی تا تحویل به پخش‌کننده، اهمیت و اولویتی خاص دارد. نقش تولیدکننده، آن است که عوامل مختلف لازم برای تهیه یک فیلم را فراهم آورد و تداوم حیات آن را عهده‌دار شود. تولید سینمایی که بدین‌سان بین عمل خلاقه و فعالیت اقتصادی قرار می‌گیرد، عنصر ویژه‌ای در حوزه فعالیت سینمایی است و می‌تواند معیار و میزانی برای محصول هنری و حتی اقتصادی کشور باشد.

تولید سینمایی در ایران طی دوران انقلاب و نیز نخستین سال‌های برقراری جمهوری اسلامی در خطر نابودی قرار گرفت. به دنبال ویرانی سالن‌های سینما، که نماد «نظام منحط اخلاقی غرب» بودند، دوره‌ی سامانی زنجیره سینمایی آغاز شد، دوره‌ای که در آن رژیم جدید خواست‌هایش را به شکلی مبهم و نامشخص ارائه می‌کرد. جنگ هشت ساله عراق و ایران می‌رفت که آخرین ضربه را بر پیکر نحیف این فعالیت هنری و اقتصادی وارد آورد، که سینمای ایران جانی تازه یافت تا آن‌جا که امروز، به گواهی آمار و ارقام، مشکل بتوان منکر پویایی تولید سینمایی در ایران شد.

قریب به شصت شرکت سینمایی خصوصی و تولیدکننده دولتی، سالانه بیش از شصت فیلم بلند، کوتاه و مستند تولید می‌کنند. در بررسی مراکز کانون‌ها و شرکت‌های تولید دولتی و خصوصی، پدیده‌ها و عواملی چند از جمله شرایط نامناسب، فضای پرقابوت و گرایش‌های گوناگون در زمینه تولید فرهنگی و فعالیت اقتصادی و سرانجام نقش ویژه دولت در بخش سینمایی را باید در نظر

گرفت. این نوشته برپایه اطلاعاتی است که تهیه کنندگان دولتی و خصوصی، کارگردانان و مسئولان اداری و دانشگاهی در دسترس نگارنده قرار داده اند.

## تولیدکنندگان

### ۱. تولیدکنندگان دولتی

بی تردید سینمای ایران بدون کمک های دولت، خاصه بدون فعالیت و کمک مؤسسات دولتی، تابحال دوام نمی آورد یا دستکم نمی توانست تحرك خود را در این سال ها حفظ کند. جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۱ در شرایط نامساعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، برنامه ای به منظور دنبال کردن تولید ملی تدارك دید و مسئولیت انحصاری امور سینمایی را برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشت. دو مرکز تولید سینمایی، یعنی بنیاد فارابی و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی محصول این تدارکات و برنامه ها بودند.

### بنیاد سینمایی فارابی

این بنیاد را باید، با درنظر گرفتن مجموعه فعالیت هایی که برعهده دارد، پرقدردان ترین مؤسسه سینمایی کشور دانست. تهیه فیلم که درابتدا فقط بخشی از کارهای این بنیاد بود پس از گذشت سیزده سال به بخش مهمی از فعالیت های این مؤسسه تبدیل شده است. افزون براین، بنیاد، با کنترل انحصاری، به تهیه وسایل لازم و ابزار تولید فیلم برای بخش دولتی و خصوصی نیز می پردازد. همه تهیه کنندگان برای تهیه لوازم گوناگون، از فیلم خام گرفته تا دستگاه های فنی، به این بنیاد رجوع می کنند. با وجود ادامه بحران اقتصادی، بنیاد فارابی، این وسایل و ابزار را با قیمتی نازل، دراختیار دیگر تولیدکنندگان قرار داده است. بنیاد فارابی تا سال ۱۳۷۱ اعطای کمک های دولتی برای پخش فیلم را نیز برعهده داشت و از سال ۱۳۶۳ مسئولیت شناساندن فیلم های ایرانی در فستیوال ها و بازارهای خارجی و صدور آنها را هم بردوش گرفت و نیز به امتیاز انحصاری واردات فیلم های خارجی دست یافت.

### مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی

این مرکز، بابودجه و نیروی انسانی محدودتر از آنچه دراختیار بنیاد فارابی است. برای ایفای سه نقش عمده در زمینه تولید ایجاد شده است. نخست آنکه امکاناتی دراختیار جوانان با استعداد نسل پس از انقلاب که آماده برداشتن نخستین گام در کار ساختن فیلم، به ویژه فیلم های کوتاه اند، قرار دهد. دوم آن که در زمینه صداپردازی و فیلمنامه نویسی به آزمایش ها و پژوهش های لازم بپردازد و بدین سان سینمای تجربی را گسترش دهد. سوم آن که کارگردان های ارزنده ای را که خود مرکز تربیت کرده است یاری رساند و بکوشد تا سینمای ایران با آرمان های جمهوری اسلامی سازگار شود. کارگردانانی چون محسن مخملباف و ابراهیم حاتمی کیا نخستین فیلم های خود را در این مرکز ساختند. جشنواره فجر

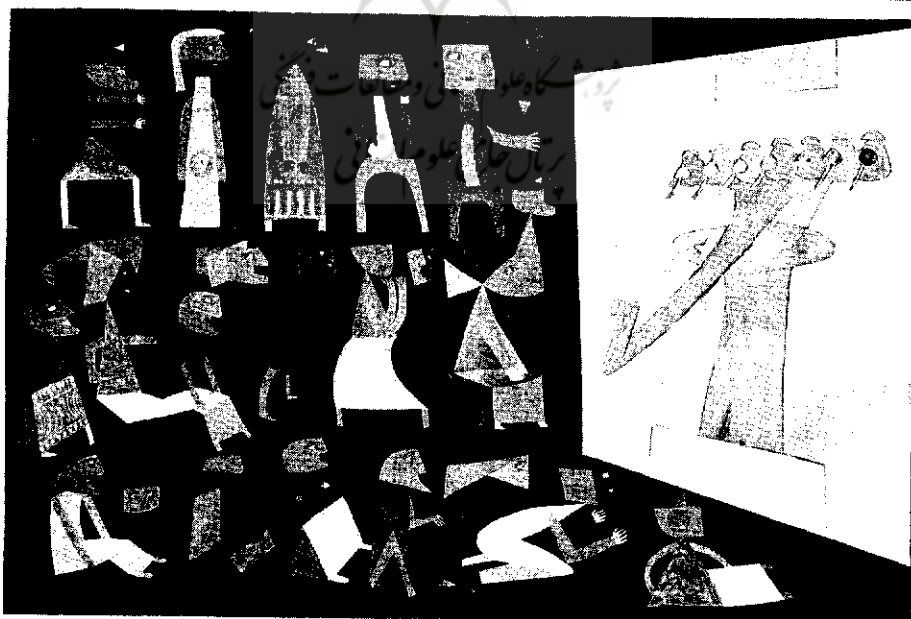
۱۳۷۴ نشانگر رشد تولید فیلم‌های داستانی این مرکز بود.

## ۲. تولیدکنندگان نیمه دولتی

سه مرکز تولیدکننده دیگر، که واجد شرایطی ویژه هستند، تاحدودی بیرون از حیطه کنترل کامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند و به تهیه کنندگان نیمه دولتی مبدل شده‌اند. اساسنامه هر کدام از این مراکز به آنها امکان می‌دهد تا معمولاً بدون اجازه وزارت ارشاد آزادی عمل خود را در زمینه فیلم‌نامه و تولید فیلم حفظ کنند. البته این آزادی برحسب این که مسئولان امور چه کسانی هستند و چه سیاستی را درپیش دارند متغیر است.

### — صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

این مرکز یک دستگاه دولتی نیرومند و جدا از وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی است که مدیرعامل آن را رهبر انقلاب تعیین می‌کند. این مرکز نیز مانند مراکز و شرکت‌های تلویزیونی در بسیاری از کشورها، به یکی از تولیدکنندگان عمده فیلم در ایران مبدل شده است. در واقع شرکت «سیما» است که غالب برنامه‌های داستانی تلویزیون را تهیه می‌کند. از نظر رسمی، «سیما» شرکتی است خصوصی اما عملاً وابسته به تلویزیون. بیش از یک سوم فیلم‌های ارائه شده در جشنواره فجر توسط شرکت «سیما» و کانال دو تلویزیون تهیه می‌شود. بادر نظر گرفتن تنگناهایی که در راه رسیدن فیلم به پرده سینما وجود دارد، تولیدکنندگان به پخش فیلم‌های خود در تلویزیون روی آورده‌اند و در نتیجه تلویزیون به عامل مهمی در کار پخش آثار ویدئویی و سینمایی مبدل گردیده است. چهار کانال سراسری و یک کانال ویژه تهران شبکه تلویزیونی را تشکیل می‌دهند. تلویزیون تهران به ابتکار



شهردار تهران ایجاد شد و کوشید تا با گسترش برنامه‌های ورزشی، موسیقی و فیلم‌های مستند از دیگر کانال‌ها متمایز شود. این تلویزیون همچنین، برای راهیابی به بازارهای خارجی و به منظور شکستن انحصار بنیاد فارابی در این زمینه، همراه با یازده گروه دولتی و خصوصی پس از پایان جشنواره فجر ۱۳۷۳ به ایجاد یک مؤسسه پخش فیلم، به نام CMI (رسانه بین‌المللی سیما) اقدام کرد. مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، جوزان فیلم، پخشیران و هدایت فیلم از جمله سازمان‌ها و گروه‌های عضو این مؤسسه‌اند که در آن تلویزیون اکثریت سهام را در اختیار دارد. یکی از هدف‌های این مؤسسه توان بخشیدن مجدد به بازار سمعی و بصری ایران برای فروش محصولات آن به خارج است. برگزاری «نخستین بازار بین‌المللی فیلم» در آبان ماه ۱۳۷۴ در تهران و به موازات آن برگزاری کنفرانس اتحادیه سخن‌پراکنی آسیایی (Asian Pacific Broadcasting Union) گام‌هایی در راه تحقق این هدف بود. چهل سخنران از کشورهای مختلف، از کانادا تا فرانسه و جمهوری‌های آسیایی اتحاد جماهیر شوروی سابق در بازار بین‌المللی فیلم در تهران شرکت کردند. درآمد به دست آمده در این بازار از درآمدی که در بازار بین‌المللی فستیوال کان نصیب بنیاد فارابی شد فراتر رفت.

#### بخش سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

این کانون بزرگ‌ترین مرکز تولید فیلم برای کودکان و یکی از دستگاه‌های نادر پیش از انقلاب است که از رویدادهای تند سیاسی بدون برخورد با موانعی جدی سر برون کشیده است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ۱۳۴۴ به ابتکار فرح پهلوی به وجود آمد و دیری نپایید که عباس کیارستمی و ابراهیم فروزش در بخش سینمایی آن، به ویژه بخش سینمای کودکان آن، به فعالیتی گسترده پرداختند. امروزه این کانون با شماری از وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تلویزیون ارتباطی تنگاتنگ دارد ولی به اعتبار اساسنامه‌اش هنوز از استقلال نسبی برخوردار است.

#### حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (بخش سینمایی)

این حوزه نهادی است رسمی و غیردولتی با اساسنامه و نقش ویژه. در آغاز کار، وظیفه آن تولید فیلم‌هایی بود که منعکس‌کننده ایدئولوژی جمهوری اسلامی و به ویژه فیلم‌هایی درباره جنگ عراق و ایران باشد. فیلم‌های بایکوت (۱۳۶۴) و دستفروش (۱۳۶۵) محسن مخملباف، که در آن سال‌ها خود را تئوریسین هنر اسلامی می‌دانست، در این حوزه تهیه شد. با درگذشت آیت‌الله خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای کنترل و پشتیبانی از حوزه را، به ویژه در موارد اختلاف آن با وزارت ارشاد در مورد پخش فیلم‌هایی چون آدم‌برفی داود میرباقری و دیدار محمدرضا هنرمند، برعهده گرفت. این هر دو فیلم با تأخیر بسیار اجازه نمایش گرفتند. نظر منفی وزارت ارشاد درباره برخی از تولیدات سینمایی حوزه گاه به بسته شدن سالن‌های سینمایی که فیلم‌های حوزه را نمایش می‌دهند- از آن جمله «سینما آزادی»- منجر شده است. چه، با آن‌که از آغاز حوزه متعهد به تحکیم مبانی فرهنگی اسلامی بوده،

بخش سینمایی آن، چه از نظر مذهبی و چه از نظر سیاسی، به برخی از ارزش‌های فرهنگی غیرمذهبی بی‌توجه نبوده است.

## ۲- شرکت‌های تولیدی بنیادهای مذهبی

بخش‌های سینمایی بنیادهای مذهبی قدرتمندی چون بنیاد جانبازان، بنیاد شهید، بنیاد پانزده خرداد و یا بنیاد مستضعفان همانند شرکت‌های تولیدی دولتی عمل می‌کنند. از نظر سینمایی، بنیاد مستضعفان با تسلط بر تعداد زیادی از سالن‌های سینما در سراسر کشور یکی از نیرومندترین بنیادها به‌شمار می‌آید. با آن‌که مجلس شورای اسلامی بودجه این نهادها را افزایش داده است و با آن‌که ارتباطی نزدیک میان مسئولان آن‌ها و رهبران سیاسی و منتقد کشور وجود دارد، این بنیادها از استقلال نسبی برخوردارند. شماری از فیلم‌های محسن مخملباف از جمله بای‌سیکل ران و عروسی خوبان (۱۳۶۷) در مؤسسه امور سینمایی بنیاد جانبازان و مستضعفان تولید شده‌اند. تولید سینمایی این بنیادها اخیراً به شدت کاهش یافته است به طوری که در سال ۱۳۷۴ بنیاد جانبازان رسماً فقط یک فیلم، دایره سرخ درباره جنگ عراق و ایران، را در جشنواره فجر به نمایش گذاشت.

## ۳. تولیدکنندگان خصوصی

تعدادی شرکت‌های تولید، با ضوابط و اساسنامه‌های متفاوت و ناهمگون بافت اقتصادی تولید خصوصی را تشکیل می‌دهند. با در نظر گرفتن اهمیت سرمایه‌های لازم در این صنعت و افت تعداد تماشاگران و نیروی تهیه‌کنندگان بزرگ، این بخش پیوسته در حال نوسازی و دگرگونی است و شمار شرکت‌هایی که در این بخش، به‌ویژه در پایان دهه ۱۳۶۰، به سرعت دچار مشکلات جدی شدند اندک نبوده است. برای تهیه فیلم، این شرکت‌ها باید پیش از هر چیز پروانه حرفه‌ای وزارت ارشاد اسلامی را در دست داشته باشند. این پروانه پس از بررسی پرونده درخواست‌کننده و براساس نمراتی که به دست می‌آورد، صادر می‌شود. نمرات بر مبنای معیارها و ضوابط مندرج در آئین‌نامه مصوب ۱۳۷۴، از جمله شایستگی فرهنگی، اخلاقی و مذهبی است. توانایی مالی تهیه‌کننده، تخصص‌های دانشگاهی و تجربه عملی در یکی از رشته‌های سینمایی در درجه دوم اهمیت قرار دارند. از میان شرکت‌های خصوصی تولید فیلم به شرکت‌های زیر می‌توان اشاره کرد.

### پخشیران فیلم

این شرکت تنها شرکت تولید فیلم است که از انقلاب سالم بدرآمده. می‌توان گفت که همه شرکت‌های تولید سینمایی دوران شاه پس از انقلاب به کار خود پایان دادند یا برای تجدید سازمان به حال تعلیق درآمدند. در میان شرکت‌های خصوصی «پخشیران فیلم» یکی از فعال‌ترین و حرفه‌ای‌ترین به‌شمار می‌آید و به هر حال باید آن‌را بهترین شرکت تولیدکننده فیلم‌های هنری دانست. افزون بر این، این شرکت یک توزیع‌کننده مهم و مستقل نیز به حساب می‌آید. «پخشیران»، وفادار به

تی چند از کارگردانان دوران پیش از انقلاب، تولید فیلم سارا (۱۳۷۲)، از داریوش مهرجویی، را به عهده گرفت و نیز به طرح‌های بهرام بیضائی نظری مساعد نشان داد. نون و گلدون محسن مخملباف، که در فستیوال ۱۹۹۶ لوکارنو در سوئیس دو جایزه برد، در این شرکت تهیه شد.

### کادر فیلم

این شرکت، که سه سال پیش تأسیس شده و تاکنون حدود ده فیلم ساخته است، تولیدکنندهٔ بیشترین و پربیننده‌ترین فیلم‌های هنری به‌شمار می‌آید. از آن جمله اند روسری آبی (۱۳۷۳)، آخرین کار رخشان بنی‌اعتماد و برنده جایزه پلنگ برنز فستیوال لوکارنو (۱۹۹۵)، و دو فیلم از ابراهیم حاتمی‌کیا، برج مینو و بوی پیراهن یوسف که هر دو در جشنواره فجر ۱۳۷۴ به نمایش درآمدند.

### جوزان فیلم

مسعود جعفری جوزانی و برادرش، که هر دو از تحصیل‌کردگان در امریکا هستند مؤسسين این شرکت بوده‌اند. جوزانی پس از انقلاب به ایران بازگشت، در «صدا و سیما» مشغول به کار شد و به تدریس در دانشگاه پرداخت. فیلم‌های جاده‌های سرد (۱۳۶۴) و شیرسنگی (۱۳۶۵) از کارهای اوست. پس از پایان یارانه‌های دولتی در ۱۳۷۱، شرکت جوزان، که در عداد توزیع‌کنندگان عمدهٔ فیلم در ایران است، مانند غالب تولیدکنندگان خصوصی با مشکلاتی مواجه شد و برای تولید فیلم به سرمایه‌گذاری شخصی و وام‌های بانکی و سفارش‌های تلویزیون روی آورد. برای مقابله با دشواری‌های مالی جوزان فیلم آماده سرمایه‌گذاری در ساختن فیلم‌های کارتونی (animation) شده است. ناصرالدین شاه آکتور سینما (۱۳۷۰) ساخته محسن مخملباف، از مشهورترین فیلم‌هایی است که جوزان فیلم تولید کرده است.

### خانه فیلم سبز

این شرکت در سال ۱۳۶۹، به مدیریت عباس رنجبر که از نسل جدید تولیدکنندگان مقاطعه‌کار است تأسیس شد و با ساختن برخی از فیلم‌های محسن مخملباف، از جمله هنرپیشه (۱۳۷۲) و سلام سینما (۱۳۷۴) به شهرت رسید. طرح فیلم مهاراجه از همین کارگردان در این شرکت هنوز متوقف است.

### در مسیر تولید

#### وزارت ارشاد و سیاست کنترل

در ایران، تولیدکننده فیلم با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سروکار دائمی دارد و مسئولیت فیلم، از ابتدای تحویل دادن فیلم نامه تا نمایش فیلم در سالن‌های سینما، برعهدهٔ این سازمان است. این مسئولیت با ارائهٔ سناریوی فیلم به اداره مربوطه در این وزارت‌خانه آغاز می‌شود. پس از بررسی فیلم نامه، وزارتخانه در رد یا قبول آن مختار است. معمولاً در این مرحله، پیشنهادهایی برای تعویض

یا حذف برخی از صحنه‌ها به تولیدکننده داده می‌شود. پس از وارد کردن تغییرات پیشنهاد شده، نمی‌توان بیش از بیست درصد فیلمنامه را در جریان تولید دگرگون کرد. رفت و آمد به وزارت ارشاد هم معمولاً به درازا می‌کشد و از همین رو تولیدکنندگان به امید ساختن یک فیلم، چند فیلم‌نامه را همزمان به این وزارت‌خانه تحویل می‌دهند. پس از کسب موافقت وزارت ارشاد، تولیدکننده باید فهرست بازیگران و تمامی گروه فنی را در اختیار این وزارت‌خانه قرار دهد و در این زمینه نیز کسب موافقت نماید.

در گام بعدی، تولیدکننده باید، برای جلب موافقت وزارت ارشاد، نمونه‌هایی از آهنگ‌های موسیقی، نوع لباس و عکس‌هایی از بازیگران با آرایش ویژه صحنه و غیره را در اختیار این وزارت‌خانه قرار دهد. در سراسر جریان فیلمبرداری نیز کلیه موازین اسلامی باید نه تنها در صحنه‌های فیلم و نوار صدا بلکه در پشت صحنه هم رعایت شود. فیلم، پس از تکمیل، برای کنترل و تغییر و یا قطع احتمالی به وزارت‌خانه فرستاده می‌شود تا مسئولان باز آن را ببینند و بشنوند. بازمینی و اصلاح فیلم در این مرحله ممکن است بارها تکرار شود. پس از گذراندن تمام این مراحل و پس از پخش در سالن‌های سینما و حتی نمایش در جشنواره فجر نیز مواردی بوده است که فیلمی ممنوع اعلام شده است. نوبت عاشقی و شب‌های زاینده رود (۱۳۶۹)، از ساخته‌های محسن مخملباف، به چنین سرنوشتی دچار شده‌اند.

در تمام مراحل بررسی، فیلم از نظر کیفی به رده‌های الف، ب، ج درجه‌بندی می‌شود. درجه‌ای که به فیلم داده می‌شود با دریافت وام و طول مدت دوندگی در وزارت ارشاد ارتباطی مستقیم

دارد. این درجه‌بندی چگونگی پخش فیلم در سالن‌های سینما را نیز مشخص می‌کند. فیلمی که الف گرفته باشد در بهترین سالن‌ها و برای مدت طولانی‌تر و با بلیت گران‌تر به نمایش درمی‌آید. موافقت با فیلم بعدی کارگردان و تولیدکننده نیز به این درجه‌بندی ارتباط دارد. بدین‌سان، اگر به کارگردان و یا تهیه‌کننده‌ای درجه «ج» داده شود، باید مدتی را در انتظار تهیه فیلم بعدی خود سپری کند. اگر دوباره درجه «ج» به کسی داده شود، مدت انتظار برای فیلم بعدی دوبرابر خواهد شد و اگر کسی سه‌بار درجه «ج» بگیرد، ادامه فعالیت سینمایی وی با مشکل روبرو خواهد شد. کارگردانان و تولیدکنندگان فیلم ضمن اعتراض به این روند، تأکید کرده‌اند که چنین بررسی‌ها و درجه‌بندی‌هایی که بر مبنای کاملاً ذهنی صورت می‌گیرد می‌تواند به آینده کار آنها و در نتیجه به تولید سینمایی کشور لطمه‌های شدیدی وارد آورد.

برای تهیه‌کننده بخش خصوصی، تهیه یک فیلم، از آغاز تحویل فیلم‌نامه به وزارتخانه تا نمایش در سالن‌های سینما، حدود دو سال به درازا می‌کشد. مدت و سهولت گذشتن از همه مراحل، از جمله، منوط بر این است که تولیدکننده شرکت دولتی است یا خصوصی، با چه سابقه و شهرتی به میدان آمده و در تولید فیلم از همکاری و مشارکت چه فرد و مؤسسه‌ای برخوردار است. در هر صورت، اگر مدت تهیه یک فیلم از دو سال بگذرد، اجباراً همه چیز باید از نو آغاز شود.

#### فراز و نشیب‌های سیاست وام‌های مالی

از آن‌جا که کلیه وسایل و ابزار فیلمبرداری، فیلم‌خام، نواز صدا و مانند آن باید از غرب وارد شود، تولید فیلم با هزینه‌ای سنگین همراه است. در واقع، امروزه تهیه یک فیلم به‌طور متوسط بین ۲۰ تا ۳۵ میلیون تومان (حدود صد هزار دلار) هزینه دربردارد. به همین دلیل، در نیمه دهه ۱۳۶۰، دولت برای بالا بردن تولید ملی سیاست پرداخت یارانه (سوبسید) به صنعت سینما را اتخاذ کرد. بدون این کمک، محتملاً سینمای ایران تاکنون از پا درآمده بود. با این یارانه بود که جانی تازه به کالبد سینمای ایران دمیده شد و صنعت سینما توانست بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ باتولید متوسط سالانه ۷۰ فیلم به اوج محصول پس از انقلاب دست یابد.

وامی که دولت در اختیار تهیه‌کنندگان قرار می‌دهد بر سه نوع است: (۱) وام مستقیم که شبیه به وامی است که به شکل پیش‌پرداخت قابل بازگشت پس از نمایش فیلم داده می‌شود؛ (۲) کمک‌های بانکی که اعطای انحصاری آن تا چندی پیش با بانک صادرات بود؛ و (۳) کمک‌های غیرمستقیم برای اجاره یا خرید وسایل فنی وارداتی مورد نیاز به قیمت نازل که بنیاد فارابی اداره آن را به عهده دارد.

تولیدکنندگان خصوصی و دولتی، پس از طی شدن جریان بررسی پرونده فیلمشان، می‌توانند از این کمک‌ها بهره‌مند شوند. در سال ۱۳۷۱، دولت، روبرو با بحران شدید اقتصادی، سیاست کمک‌های مستقیم خود را به تولیدات سینمایی قطع کرد. باتوجه به این‌که در همین تاریخ سینمای پس از انقلاب ایران یکی از درخشان‌ترین سال‌های خود را می‌گذراند، می‌توان گفت که پیامدهای تصمیم



دولت بلافاصله آشکار نشد. تنها در سال بعد است که با افت تولید سینمایی کشور و به وجود آمدن فضایی نامطمئن، این پیامدها ظاهر شدند. برای تعدیل این فضا، کمک‌های دولت از طریق ارائه وام بانکی، تا آنجا که شرایط اقتصادی اجازه می‌داد، ادامه یافت. پس از بررسی دقیق طرح فیلم و به ویژه مطالعه فیلم نامه و تأیید آن از جانب وزارت ارشاد و درجه‌بندی فیلم است، که بانک می‌تواند وامی حداکثر معادل نیمی از بودجه تولید را، به تولیدکننده بپردازد.

تأمین بودجه «ضد تهاجم فرهنگی» سال ۱۳۷۴، که دویست میلیارد ریال، یعنی یک درصد بودجه دولت را دربرمی‌گیرد و با سخنان میرسلیم وزیر ارشاد در خرداد ماه ۱۳۷۳ شکل گرفت، باید گام دیگر دولت در زمینه تولید سینمایی دانست. این بودجه فقط شامل سینما نیست و بخش بزرگ‌تر آن به برنامه‌های سمعی و بصری تلویزیون و «سینما فیلم» و تولیدکنندگان وزارت ارشاد و حوزه هنری اختصاص یافته است. قسمت دیگری از این بودجه صرف کمک به تولیدکنندگانی می‌شود که در فیلمنامه‌های خود به طور خاص مسئله «دفاع ضد تهاجم فرهنگی» را مورد توجه قرار داده باشند. و بالاخره بخشی نیز برای کمک به بازپرداخت وام‌های بانکی با تضمین دوسوم سود به کار می‌رود. راه‌حل‌های دیگری که برای رفع دشواری‌های اقتصادی تولید سینمایی در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از: پیش‌خرید فیلم‌ها توسط تلویزیون، اعطای حق امتیاز پخش ویدیویی، افزایش تعداد سالن‌های سینما و کاهش قیمت بلیت ورودی. برای پایین نگه داشتن هزینه تولید، گهگاه تولیدکنندگان یا کارگردانان، به فیلمبرداری در کشورهای دیگر روی آورده‌اند. جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان از این جهت کشورهای مناسبی هستند. ترکیه نیز، به ویژه پس از آن که نوبت عاشقی محسن مخملباف در آن تهیه شد، مورد توجه واقع شده است.

### مستگوه ۶

«در این مقاله که قبلاً به ترجمه بهزاد ذوالنور از اصل فرانسه در شماره ویژه سینمای ایران (ایران نامه، سال چهاردهم) منتشر شده است و در اینجا با اجازه این نشریه تجدید چاپ می‌شود، ملاحظات اقتصادی دخیل در امور فرهنگی به بحث گذاشته شده‌اند. هر چند بیش از یک‌سال از انجام پژوهشی که این نوشته بر اساس آن تهیه شده است، می‌گذرد و احتمالاً پاره‌ای تحولات بعدی را دربر نمی‌گیرد، ما از آنجا که مطلب مطرح شده در آن، وجهی مهم از تولید فرهنگی را در بر می‌گیرد که در بسیاری زمینه‌های مشابه نیز می‌تواند مصداق داشته باشد به انتشار مجدد آن اقدام شد.

